



## دولت، قانون، خشونت

در گفتگو با آقای دکتر احمد توکلی

فصلنامه: جناب آقای دکتر، لطفاً، نخست درباره ارزش امنیت به مثابه یک کالا سخن گفته و بفرمایید آیا این کالا تابع اصول و قواعد حاکم بر اقتصاد مبتنی بر بازار (سرمایه‌داری) است یا خیر؟

از آنها بهره‌مند شوند. یعنی پس از تولید، از نظر فنی نمی‌توان کسی را از مصرف آن منع کرد. امنیت از جمله کالاهای عمومی است، بنابراین مشاهده می‌شود که در صورت وجود، همگان اعم از دوست و دشمن و... می‌توانند از مزایای آن استفاده ببرند، و آن‌هم بدون این که ضرورت‌آبهایی برای آن پرداخته باشند. نتیجه آن‌که، بخش خصوصی از تولید امنیت، همانند سایر کالاهای عمومی، از آن حیث که تابع سازوکار "قیمت" نیست، ناتوان است. بنابراین، دولت‌ها عهده‌دار تولید این‌گونه کالاها هستند و در نتیجه دیگر نمی‌توان توقع حاکمیت اصول بازار آزاد را بر آن داشت.

● دکتر توکلی: برای پاسخ به این سؤال، ناگزیر باید به تلقی خود از اقتصاد مبتنی بر بازار اشاره‌ای بکنیم. چنان که می‌دانیم، مطابق رویکرد غربی، اساساً اقتصاد فعالیتی مرتبط با بخش خصوصی تعریف می‌شود؛ و اصل حاکم بر آن کارایی، یعنی "تخصیص کمترین هزینه و دریافت بیشترین سود" است. که این هدف با سازوکار آزادانه قیمت‌ها انجام می‌شود. بخش خصوصی به همین خاطر است که از تولید برخی از کالاها که تابع اصل محوری بالا نیستند، عاجز است. یکی از این موارد، مورد "کالای عمومی" است. یک ویژگی بارز کالای عمومی آن است که به محض تولید، همگان می‌توانند بدون پرداختن وجهی

فصلنامه: آیا حیطه دخالت دولت، صرفاً به کالاهای عمومی محدود می‌شود؟

خدمت‌رسان عرض کنم که از حیث اقتصادی

● دکتر توکلی: مختصراً باید

در موارد دیگری از قبیل:

۱- هنگامی که مشکل تشکیل انحصارات در بخش خصوصی رخ می‌نماید.

۲- وقتی فعالیتهای اقتصادی بخش خصوصی آثار خارجی منفی یا مثبت داشته باشد.

۳- کلیه مواردی که بازار ناقص است، مثل وقتی اطلاعات کافی برای خریدار وجود ندارد.

۴- و بالاخره وقتی توزیع درآمدها از نظر جامعه ناعادلانه باشد. بر این موارد کلاسیک بنده موارد دیگری از قبیل حفظ استقلال، عزت ملی، آزادی انتخاب فردی، ارزشهای فرهنگی فرد و جمع را که می‌تواند از عملکرد بازار

آسیب ببیند، می‌افزایم. تجربه بشری و نیز اقتضائات مکتبی نشان می‌دهد که دولت ضرورتاً باید در این گونه موارد نقش ایفا نماید. لازم به ذکر است که در همه موارد، به نحوی غرض اصلی از حضور دولت تأمین قدرت اعمال اراده آگاهانه برای افراد و جلوگیری از سلطه و زور آشکار و نهان است. به عبارت دیگر هدف تأمین امنیت به بهترین وجه ممکن و ممانعت از بروز رفتارهای خشن در جهت تحقق آرمانهای عدالت‌خواهانه در جامعه می‌باشد. بنابراین حضور مؤثر دولت، عاملی اطمینان‌بخش برای جلوگیری از خشونت و حمایت از حقوق قانونی افراد ارزیابی می‌گردد.

فصلنامه: آیا می‌توان الگوی رایج در نظام اقتصادی مبتنی بر بازار را در حوزه سیاست نیز حاکم ساخت؟

که عوامل تأثیرگذار بر رفتارها، بسیار متنوع‌ترند. قبول این پیش‌فرض در اقتصاد بخش عمومی به ارائه نظریه تحلیل انتخاب عمومی منجر شده است. با استفاده از این نظریه به خوبی می‌توان نشان داد که چگونه خودمحموری یا عقلانیت به ناکارایی بخش دولتی در اقتصاد و ناکارآمدی دموکراسی منتهی می‌شود و کار به سلطه اقلیت سرمایه‌دار می‌کشد. این وضع جوامع غربی است. در جامعه ما که مبتنی بر ارزشهایی

● دکتر توکلی: عقلانیت موردنظر در بحث اقتصاد مبتنی بر بازار، همان است که در ساده‌ترین و دقیق‌ترین معنا می‌توان "خودمحموری" تعریفش کرد؛ یعنی تولیدکننده و مصرف‌کننده، هر یک باید صرفاً به دنبال کسب منفعت بیشتری برای خود باشند. بنابراین اخلاق و توصیه‌های ارزشی، دیگر جایی نخواهد داشت. این تصویر، البته در حوزه اقتصاد موضوع بحث و انتقاد جدی است، چه رسد به عالم سیاست

دیگر نابسامانی اجتماعی و آثار سوء ناشی از آن، از قبیل رفتارهای خشونت آمیز، از رهگذر حاکمیت چنین الگویی روبه فزونی خواهد گذاشت.

م تفاوت با جامعه غربی است، قطعاً این نگرش جواب نمی دهد. به نظر من پذیرش این الگو در هر دو حوزه اقتصاد و سیاست برای ما جز ناکامی فزاینده نتیجه دیگری نخواهد داشت. به عبارت

فصلنامه: در جامعه ما علاوه بر عقل سیاسی، تأکید شرعی نیز در خصوص صیانت از کالاهای عمومی وجود دارد، با این حال شاهد برخی از رفتارهای خشن می باشیم؛ علت این را چه می دانید؟

کسی در این جامعه بخواهد، اعتقادات ملت را به بازی بگیرد، هویت و حاصل دسترنج بیست ساله مردم را نادیده بگیرد و یا این که به نحوی باورهای اولیه افراد را مورد تهاجم قرار دهد، طرف مقابل ساکت ننشسته و حتماً واکنش تندی از خود بروز خواهد داد. البته واکنش خشونت آمیز از نداشتن سعه صدر نیز تأثیر می پذیرد. این بیان واقعینانه و عالمانه موضوع است. گرچه به عنوان و از موضع یک سیاستمدار عدالت خواه رفتارهای خشونت آمیز و غیرقانونی را محکوم می دانم.

● دکتر توکلی: به نظر بنده در این جا دو عامل مؤثر وجود دارد: اولاً جامعه ما از آن حیث که دارای یک مبنای ارزشی می باشد، هرچه از ارزشها فاصله بگیریم، آسیب پذیری مان زیاده تر می شود. در ثانی نوع اجرای پروژه توسعه سیاسی نیز می تواند در این زمینه تأثیرگذار باشد. توضیح آن که، باز شدن عرصه سیاسی نباید به معنای صدور اجازه برای فعالیت افراد یا گروههایی تلقی گردد که به نحوی با اسلام، انقلاب، امام (ره) و به طور کلی آرمانها و اصول اولیه انقلاب اسلامی معارضه می کنند. این نکته واضح است که اگر

فصلنامه: این توضیح که پروژه توسعه سیاسی لوازم مقتضیاتی دارد که به طور طبیعی رخ می دهد و باید تحمل گردد، آیا مورد قبول شما هست یا خیر؟ پاسخ به این سؤال از آن روی مهم است که تکلیف برخی از تحولات را روشن می کند و به ما می گوید که ضرورتاً نیاستی در مقابل هر عمل اصلاحی، دست به خشونت زد.

نیست. شواهد موجود دلالت بر تحریک آمیزی رفتار بعضی گروهها دارد و همین امر آنها را در بروز واکنشهای

● دکتر توکلی: با این حال و به فرض پذیرفتن آن به نظر می رسد که در موضوع مورد بحث ما چندان صادق

زده‌اند و نه یک طرف. توجه داشته باشیم که انسان به طور طبیعی نسبت به توهین و اهانت حساس است و چنان نیست که همه مردم مانند خواجه نصیرالدین طوسی باشند که از کنار هر اهانتی با ایراد چند اشکال منطقی به راحتی بگذرند. بنابراین، در ورای تمامی استدلالها و مقدمه‌چینیهای فلسفی، این واقعیت وجود دارد که اهانت و حمله به مقدسات و ارزشها، ناگزیر به بروز واکنشهای تند منجر می‌گردد. البته این ناگزیری منطقی نیست بلکه واقعی است.

**فصلنامه: بروز چنین حوادثی چه نتیجه‌ای می‌تواند در کمیت و کیفیت کالاهای عمومی - به‌طور**

**مشخص امنیت - در جامعه داشته باشد؟**

میزان سرمایه‌گذاری، لطماتی را وارد می‌سازد؛ در نتیجه تصویر ما از آینده خاکستری‌تر شده و چشم‌انداز توسعه سیاسی و اقتصادی ناامیدکننده می‌شود. به عبارت دیگر در صورت بروز خشونت، گذشته از وضعیت فعلی، آتیه کشور نیز آسیب می‌بیند.

**فصلنامه: پیشنهاد مشخص شما برای جلوگیری از بروز چنین پدیده‌هایی چیست؟**

برخی در پی تخریب کل چارچوب هستند، و این امر به هیچ وجه قابل تحمل نیست. در وضعیت فعلی، گرایشها و دیدگاههایی به وجود آمده‌اند که با مقوله اصلاحات، به شدت سیاسی

خشونت‌بار، سهیم می‌سازد. به همین خاطر است که باید گفت خشونت خواست این گروهها هم می‌باشد و آنها به‌طور عمدی در پی ایجاد و بهره‌برداری از آن هستند؛ مثلاً آن کسی که صراحتاً مبانی اسلامی را آن هم در جامعه‌ای که مبتنی بر اسلام است، مورد حمله قرار می‌دهد، احتمالاً چنین خواستی دارد و در نیت اصلی‌اش جای شک و تردید وجود دارد. آن چه در این موارد دیده شده، خشونت دو طرفه است: یکی در مقام بیان و دیگری در مقام عمل. بنابراین، هر دو دست به خشونت

● **دکتر توکلی: از نظر سیاسی -**

اجتماعی، مسأله بسیار واضح است؛ چنین پدیده‌هایی در نهایت ثبات کشور را دستخوش تزلزل ساخته و با مشکل مواجه می‌سازد. البته دامنه بی‌ثباتی به فضای سیاسی منحصر نشده و قطعاً در حوزه‌هایی از قبیل اقتصاد نیز با کاهش

● **دکتر توکلی: به نظر بنده باید در**

روند اصلاحات دقت بیشتری به عمل آید. گاهی ما با حفظ چارچوب در درون اصول کلی اقدام به اعمال اصلاحات می‌کنیم که تحمل آن آسان است. اما

برخورد می‌کنند و از این رو دامنه آن را تا اصول مسلم و اولیه گسترش داده‌اند. شما شاهدید که ضروریاتی چون دیه، قصاص و... را به راحتی زیر سؤال می‌برند. طرح تحریک آمیز مسایلی از این قبیل، آن هم در روزنامه‌ها و در میان عموم، حکایت از اغراض سوئی دارد. این که تحلیل‌گران خارجی از فرآینداستحاله نظام اسلامی سخن می‌گویند، ناظر بر رشد گرایش‌هایی از این قبیل است که بسترساز بروز خشونت هستند. پس در وهله نخست باید چاره‌ای برای این گرایش‌ها اندیشید. همین جا این توضیح را بدهم که مسأله فوق امری بدیهی است و در تمامی نظامها تحت عنوان وفاق اجتماعی پذیرفته شده است؛ حتی در کشورهایی از قبیل انگلستان، فرانسه و یا آمریکا شما می‌بینید که اصول اولیه‌ای وجود دارد که هیچ‌گونه اهانتی به آنها پذیرفته شده نیست. اما دومین مطلب، بحث قانون‌گرایی است و این که همه باید تابع ضوابط باشند. به نظر بنده در صورت گردن نهادن تمامی گروه‌ها به اصول و ضوابط قانونی، برخوردها کم شده و خشونت کمتر اجازه بروز می‌یابد. در واقع راه

چاره دوسویه است. از یک سو باید استفاده از آزادی با رعایت مرزهای قانونی صورت گیرد. از سوی دیگر تبلیغ سعه صدر و برخورد با قانون‌شکنان انجام شود. البته اطمینان از اقتدار دولت در اعمال قانون هم مرز شکنی را در تعقیب توسعه سیاسی کاهش می‌دهد و هم واکنش خشونت آمیز را کم می‌کند. چون امید به برخورد قانونی با مرز شکنان را افزایش می‌دهد.

از این دیدگاه شعار آقای خاتمی، یعنی قانون‌گرایی، بسیار مهم و قابل توجه است. قانون اساسی جمهوری اسلامی همان‌گونه که امام خمینی و مراجع عظام شیعه معرف آن بوده‌اند، می‌تواند فصل الخطاب بوده و خشونت‌ورزی را به حداقل کاهش دهد. البته برخوردهای جناحی و سیاسی با قانون و متولیان اجرایی آن، مثل دستگاه قضایی، نتایج فاسد خاص خود را دارد که یکی از آنها بروز خشونت است. ما باید اصل را بر قانون و احترام گذاردن به مؤسسات قانونی بگذاریم و نه این که به خاطر خواسته‌های سیاسی اصل قانون محوری را زیر سؤال ببریم.

فصلنامه: مجدداً از این که وقت خود را در اختیار ما گذارید و به سؤالات مطروحه به وضوح و صراحت پاسخ گفتید، از شما سپاسگزاریم.